Journal of Islamic Human Rights
Volum 1, Consecutive Number 1, 2024
Journal Homepage: https://islamichumanrights.ir/
This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.

Moral Teachings of Criminology, Correction and Treatment in Islamic Reading; With Emphasis on The Opinions of Imam Khomeini (RA)

Salman Konani[1*], Mohammad Ali Ardabili[2], Mohammad Ashuri[3]

1. Department of Criminal Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran. salmankonani@gmail.com
2. Department of Criminal Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
3. Department of Criminal Law, Faculty of Law, Tehran University, Tehran, Iran.

Abstract

Criminal justice also needs tools such as "justice without punishment". "Invitation to hate" and the hateful view towards guilty and wrongdoing people is rooted in the rule of criminology and legal systems without God - devoid of God and opposed to God in societies. Certainly, respecting the human and judicial rights of prisoners and trying to reform and rehabilitate them is an excellent moral virtue and ideal in the realm of the reform-oriented criminal law and criminology system, which is explicitly and repeatedly emphasized in the words and legal-judicial thoughts of Imam Khomeini (RA). has taken.

Ethicality and philosophical-logical alignment with moral requirements gives legitimacy and validity to the correctional programs for prisoners. Our premise is that the moral reformation of prisoners is the cornerstone of reformist criminology and its integral part. In the meantime, with a descriptive-analytical review of the issue, we found that following ethical requirements such as respecting moral values in the implementation of social work rules in prison, honesty in the method and approach, compatibility of means (correctional programs) with the goal, expediency, building a strong Epistemological and religious values among prisoners and negation of coerciveness that is corrupting and contrary to the free will of the convicts, can help the purposeful and insightful implementation of the policy of reforming prisoners and increase its effectiveness and credibility.

Keywords: Moral Requirements, Correction and Treatment of Prisoners, Penal Environment, Judicial Thoughts of Imam Khomeini (RA)

- Konani, S., Ardabili, M A., Ashuri, M. (2024). Moral Teachings of Criminology, Correction And Treatment in Islamic Reading; With Emphasis on The Opinions of Imam Khomeini (RA), *Journal of Islamic Human Rights*, 1(1), 1-26.

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

مجله حقوق بشر اسلامی
دورۀ اول ـ شمارۀ اول ـ ۱۴۰۳
صفحات ۱-۲۶ (مقاله پژوهشی)
تاریخ: دریافت ۱۴۰۳/۰۳/۰۱ـ پذیرش ۱۴۰۳/۰۴/۳۰ ـ انتشار ۱۴۰۳/۰۵/۲۶

آموزه‌های اخلاقی جرم‌شناسی اصلاح و درمان در خوانش اسلامی؛ با تأکید بر آرای امام خمینی (ره)

سلمان کونانی[۱*]، محمدعلی اردبیلی[۲]، محمد آشوری[۳]

۱. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.
salmankonani@gmail.com
۲. استاد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۳. استاد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

عدالتِ کیفری به ابزارهایی مثل «عدالتِ بدون کیفر» هم نیاز دارد. «دعوت به تنفر» و نگاه تنفرآمیز نسبت به انسان‌های مجرم شده و خطاکار ریشه در حاکمیت جرم‌شناسی‌ها و نظام‌های حقوقیِ بدون خدا ــ عاری از خدا و معارض با خدا در جوامع دارد. یقیناً احترام به حقوق انسانی و قضاییِ زندانیان و تلاش برای اصلاح و بازپروری آنها، فضیلتی اخلاقی و آرمانی تعالی‌آفرین در قلمرو نظام حقوق کیفری و جرم‌شناسی اصلاح‌مدار بوده که در کلام و اندیشه‌های حقوقی ـ قضایی امام خمینی (ره) صریحاً و مکرراً مورد تنفیذ و تأکید قرار گرفته است.

اخلاقی بودن و هم‌راستاییِ فلسفی ـ منطقی با الزامات اخلاقی به برنامه‌های اصلاحی در حق زندانیان مشروعیت و اعتبار می‌بخشد. پیش‌فرض ما این است که اصلاح اخلاقیِ زندانیان سنگ‌بنای جرم‌شناسی اصلاح‌مدار و جزء لاینفک آن است. در این میان، با بررسی توصیفی ـ تحلیلی موضوع، دریافتیم که عمل به الزامات اخلاقی نظیر احترام به ارزش‌های اخلاقی در اجرای قواعد مددکاری اجتماعی در زندان، صداقت در روش و شیوۀ برخورد، سازگاری وسایل (برنامه‌های اصلاحی) با هدف، مصلحت‌گرایی، استوار ساختنِ ارزش‌های معرفتی و دینی در میان زندانیان و نفی اجبارگراییِ مفسده‌زا و معارض با ارادۀ آزاد محکومان، می‌تواند به اجرای هدفمند و بینش‌مندِ سیاست اصلاح زندانیان کمک نموده و بر کارایی و اعتبار آن بیفزاید.

کلیدواژه: الزامات اخلاقی، اصلاح و درمان زندانیان، محیط کیفری، اندیشه‌های قضایی امام خمینی (ره)

– کونانی، سلمان؛ اردبیلی، محمدعلی؛ آشوری، محمد. (۱۴۰۳). آموزه‌های اخلاقی جرم‌شناسی اصلاح و درمان در خوانش اسلامی؛ با تأکید بر آرای امام خمینی (ره)، مجله حقوق بشر اسلامی، ۱(۱)، صفحات ۱-۲۶.

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

مقدمه

از میان شقوق مختلف حقوق شهروندی، حقوق زندانیان و نحوهٔ برخورد با آنان جزء مواردی است که رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی (ره) بارها و مکرراً در مناسبت‌ها و دیدارهای مختلف با مسئولان امر آنها را به رعایت اخلاقی و انسانی این حقوق سفارش نموده‌اند (صرامی، ۱۳۹۳: ۲۱۲). زندانیان مجرم طبق قانون باید در زندان بمانند؛ ولی آنان نیز حقوقی بر دولت اسلامی دارند و سزاوار نیکی از جانب مردم هستند (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۴۲۵). اخلاق و مسائل آن، کهن‌ترین دغدغهٔ انسان و جوامع به شمار می‌رود (کاردان، ۱۳۹۴: ۲۴). عمل به آموزه‌های اخلاقی، راهبردی اثرگذار و الزامی در اجرای هرگونه برنامه و سیاستی است که داعیهٔ مقابله با پدیدهٔ جنایی و بازپروری مرتکبان آنرا دارد. جرم‌شناسیِ بی‌توجه به اخلاق، فاقد اعتبار علمی و کارایی است. وانگهی، تجربیات تاریخیِ علوم جنایی و جرم‌شناسی اغلب حکایت از ضعفِ روشی در نهادینه‌سازی موازین اخلاقی دارد. جرم‌شناسی اصلاح و درمان با تمرکز بر محکومان زندانی به لحاظ تاریخی، همواره به مسئلهٔ اصلاح اخلاقی و هنجاری آنها توجه داشته و درک اخلاقی از علت‌شناسی جنایی و سیاستگذاری‌های پیشگیرانه یکی از قواعد بنیادینِ آن است (Ganong, 2010: 9). اگر در اجرای مجازات حبس به بازآموزی اخلاقی و اصلاح زندانیان توجه نشود، این مجازات از فلسفهٔ اصلی خود خارج خواهد شد. به تعبیر امام خمینی (ره)؛

«... اساس شکل‌گیری زندان در اسلام بر پایهٔ تأدیب و اصلاح است ... اساس، اصلاحِ مجرمان است» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴۵۰). رعایت اخلاق و موازین شرعی کمک می‌کند تا بتوان با محکومان برخوردی انسانی داشت. عمل به الزامات اخلاقی و دستورهای دین اسلام است که حبس‌ها را شرعی و معقول می‌سازد (امام خمینی، پیشین: ۴۵۱). لذا اگر آرمانِ بازجامعه‌پذیریِ اخلاقی و اصلاح زندانیان محقق شود، آنگاه کیفر حبس جنبهٔ انسانی و اخلاقی یافته و با تعالیم حقوق اسلامی نیز سازگار و همراه می‌گردد.

جرم‌شناسی اصلاح‌مدار در هم‌راستایی با جرم‌شناسی کلاسیک و نیز آموزه‌های جرم‌شناسی با رویکرد اسلامی، مجرم و بزهکار را فردی دارای ارادهٔ آزاد و مسئولیت کیفری می‌داند، اما برخلاف آن و نیز برخلاف جرم‌شناسی تحققی، نه اعتقادی به صرف اجرای کیفر دارد و نه برای فلسفهٔ جبری‌پنداری جرم ارزش قائل است. چنین رویکردی به جرم‌شناسی اصلاح و درمان صبغهٔ ذاتاً اخلاق‌گرایانه بخشیده که با درک از قواعد

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

فرااخلاق از گزاره‌های بین‌رشته‌ای و جامعه‌مدار نیز غافل نیست. در تفکر این جرم‌شناسی، بزهکار و مجرم دارای اراده تصور می‌شوند، اما شرایط و موقعیت آنها قابل مقایسه با فردی است که در جامعه دچار امراض قابل‌درمان و بعضاً صعب‌العلاج شده است.

فرهنگِ تلاش برای اصلاح، تربیت و بازپروی محکومان به لحاظ مبنایی جرم‌شناسی اصلاح‌مدار را با بسیاری از آموزه‌های مکتب حقوق کیفری اسلام پیوند می‌زند که عقیده دارد هیچ هدفی عالی‌تر و برتر از اصلاح محکومان در اجرای مجازات‌ها و پاسخ‌های کیفری قابل جستجو نیست (الزغبی، ۱۹۹۵: ۴۰). در این مکتب، کیفر باید هم موجب تنبیه کافی و هم تربیت و ساخته شدن انسان گردد. به تعبیر امام خمینی؛ اساس عالم بر تربیت انسان است (امام خمینی، ۱۵۳). این تربیت باید الهام گرفته از منابع وحیانی باشد که در نظر امام خمینی راه هدایت انسان و تنها راه ساخته شدنِ انسان‌ها به طور کلی ـ اعم از مجرم و ناکرده بزه و قانونگرا و یا هنجارگریزان و مادی‌گرایان ـ می‌باشد (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵۰۴). در اجرای حبس باید به حقوق اسلام و ضرورت اقامهٔ عدل الهی توجه داشت. اقامهٔ عدل همین درست کردنِ انسان‌هاست (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۴). هیچ‌چیز ارزشمندتر از این نیست که بتوان به مدد اجرای کیفر مجرم را اخلاقاً اصلاح نموده و او را به فردی هنجارمند برای بازگشت مجدد به اجتماع مبدل ساخت (Cann, 2003: 14). ازاین‌رو، در رویکرد جرم‌شناسی اصلاح‌مدار پیوندی ناگسستنی میان نرم‌های هنجاری ـ اجتماعی و اخلاقیات و حسنِ سلوکِ اخلاقی ـ به مثابهٔ سازش با نظام طبیعت ـ برقرار است. مادامی که به ارزش‌های اخلاقی توجه نشود، اجرای هیچ‌گونه سیاستی نمی‌تواند در مهار نرخ جرم و بزهکاری کارگر افتد. حمایت کیفری از اخلاق و تنسیقِ روش‌های اصلاح مجرمان در بستر آموزه‌های اخلاقی به توسعهٔ قابلیت‌های جرم‌شناسی اصلاح‌مدار انجامیده و آنرا به الگویی توانمند برای مقابله با بحران‌های سیاست جنایی در جهان معاصر مبدل کرده است.

اصلاح و درمان محکومان زندانی مبتنی بر بینشی است که قلمرو آن هرگز به محیط کیفری و زندان‌ها محدود نشده و تا سطح و بستر اجتماع و محیط غیر کیفری نیز امتداد و جریان دارد. بی‌شک در مفهوم موسع، اصلاح‌مداری غیر از حبس شامل سایر مجازات‌ها و حتی تدابیر غیر سالب آزادی نیز می‌گردد، اما در این نوشتار فقط بر همان معنای خاص و بالینی آنکه بر اصلاح اخلاق‌مدارانهٔ زندانیان متمرکز می‌باشد، تأکید شده است. با توجه به

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

این موارد، مقالهٔ حاضر در پی پاسخ به این پرسش‌هاست که گزاره‌های اخلاقیِ مورد سفارش و تأکید امام خمینی (ره) که بایستی بر فرآیند اصلاح و درمان زندانیان حاکم باشند، کدامند؟ و متأثر از آنها کم و کیف اصول اخلاق‌مدارِ مددکاری اجتماعی نسبت به محکومان زندانی چگونه است؟

در پاسخ به این پرسش‌ها این پژوهش بر این فروض مبتنی است که پذیرش مجرم به‌عنوان فردی که دارای کرامت ذاتی است و فضیلت‌جویی اخلاقی، دلسوزی صادقانه نسبت به آیندهٔ محکومان و تلاش برای تضمین ارزش‌هایی نظیر احترام، سلامت‌افزاییِ رفتاری، محبت و تقوی ستون فقرات گزاره‌های اخلاقیِ مورد سفارش و توصیهٔ امام خمینی (ره) هستند که بر رویهٔ سیاست و برنامه‌های اصلاح و درمان زندانیان حاکم می‌باشند. در بستر این الزامات، مددکاری اجتماعی در محیط کیفری تابع اصولی چون رازداری، پرهیز از قضاوت‌های قالبی و بدبینانه و صداقت در عمل گشته است. رکن اولیه در تلاش برای اصلاح زندانیان، همانا اصلاح اخلاقی است که می‌توان از آن به بیدارسازی وجدانِ محکومان و تجهیز آنها به نیروهای درونی بازدارنده و محرِک در مسیر هنجارباوری و فاصله گرفتن از انگاره‌های قانون‌گریزانه تعبیر نمود. در راستای پاسخ به پرسش‌های فرارو و رهگیری فرضیه‌های مطرح شده، این نوشتار ضمن گذری اجمالی بر معنا و کاربستِ محتوایی سیاست اصلاح زندانیان، ابتدا به بررسی آموزه‌های اخلاقی حاکم بر اصلاح و درمان زندانیان پرداخته و سپس به واکاوی اصول اخلاق‌مدارانهٔ حوزهٔ مددکاری اجتماعی در زندان می‌پردازد.

۱. معناشناسی و بازنماییِ وجههٔ اخلاقیِ تفکر اصلاح‌مداری

حضور مؤلفه‌ها و عناصر اخلاقی در متن و ساختار تفکر اصلاح و درمانِ محکومان زندانی غیر قابل کتمان است. اخلاقی بودن، شاخصی برای روشمندی و انسان‌مدار توصیف شدنِ سراسر یافته‌های حقوق کیفری، تفکرات اصلاحی و جرم‌شناسی‌های همزاد با آن و حتی فراتر از اینها، مبنایی برای تشکیل حکومت عادلهٔ اسلامی و برقراری یک نظامِ حقوقیِ کلان است؛ حکومت و نظامی که امام خمینی (ره) آنرا با بی‌توجهی نسبت به سرنوشت انسان‌ها، ظلم و حق‌کشی بیگانه دانسته و مبارزه با بی‌عدالتی، فسق و فجور و تبعیض را از یک سو و تلاش برای برقراری آزادی‌های عمومی فراگیر، رفاه و همدلی و شفقت را از

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

سوی دیگر از شاخص‌های اصلی آن معرفی می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۹۱). بی‌اعتنایی به حقوق انسانی و سرنوشت زندانیان مصداق روشن ظلم به آنهاست و این در حالی است که یکی از مهمترین الزامات عدالت از دیدگاه امام خمینی ظلم‌ستیزی است (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۴۹۱). مبنای معرفتی یک برنامهٔ اصلاحی که بناست در فضای زندان‌ها تعبیه و اجرا گردد، باید عدالت‌محوری و ظلم‌ستیزی باشد که بدون آنها هرگز نمی‌توان از اخلاق و منش اخلاقی در قلمرو حقوق کیفری و جرم‌شناسیِ حاکم بر جامعه سراغ گرفت. همان‌طورکه امام خمینی فرموده‌اند؛ اجرای قوانین و مقررات اسلام در محیط زندان‌ها کمک می‌کند تا بتوان از عدالت اسلامی در چنین فضاهایی سراغ گرفت (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۴۷) و تبعاً به تزکیه اخلاقی و تعلیم مجدد زندانیان امیدوار بود.

۱-۱. شناخت معنایِ تلاش برای اصلاح و درمان زندانیان: درک زمینهٔ بحث

اخلاق، عامل انقلاب درونی انسان‌ها و معیاری برای اتخاذ سلوک و سبک رفتاری خداپسند و اسلامی است. این اخلاق، پایهٔ عدل‌گرایی است (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲۹). امام خمینی (ره) در فرازی می‌فرمایند؛ «... اینکه افرادی از میان آنها (زندانیان) جنایتی کرده یا ظلم به اسلام کرده باشد، نباید بهانه‌ای باشد برای اینکه خدای ناخواسته آنها را زیاده بر لیاقت مجازات کرده و یا به حقوق انسانی آنها بی‌حرمتی کنید...» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۵۰). لذا تلاش برای اصلاح و متحول کردن زندانیان و بازگشت هنجارمندِ آنها به اجتماع، برنامه‌ای است که در حکومت اسلامی به آن توجه شده و کاملاً همسو با گفتمان عدالتخواهی و اخلاق‌باوریِ حقوقی توصیف می‌شود.

اخلاقِ اصلاحی یا اصلاح‌باورانه در قلمرو عدالت‌کیفری، بخشی از فرهنگ و تاریخ جرم‌شناسیِ اصلاح و درمان را تشکیل می‌دهد (Alexander, 1988: 19). اصلاح و درمان به معنی سیاستی می‌باشد که سعی دارد زندانیان را در طول دوران محکومیت و در صورت لزوم در زمان خروج از زندان تحت مراقبت و نظارت قرار داده و با اجرای برنامه‌های آموزشی، اصلاحی و تربیتی در حق آنها بستری برای بازجامعه‌پذیری و بازگشت آنها به سوی جامعه و قواعد حقوقی و اخلاقیات حاکم بر آن مهیا سازد (آشوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۶).

برای اصلاح و درمان زندانیان روش‌های مختلفی وجود دارد. در این میان، استفاده از روشی که فاقد توجیه اخلاقی باشد به مثابهٔ توسل به وسایل نامشروع برای نیل به اهداف

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

بازپرورانه نگریسته شده که اساساً در قلمرو جرم‌شناسی اصلاح‌مدار اعتباری ندارد. بنابراین، اخلاقی بودن، پیش‌فرض غالب و شاخص درونی تمامی روش‌های اصلاحی است. ازجمله روش‌های قابل اجرا در محیط کیفری می‌توان به کاردرمانی، درمان اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی و روان‌درمانی محکومانِ زندانی اشاره نمود. برای زندانیان می‌توان در ابعاد اخلاقی و اجتماعی نیز از روش‌های درمانی مختلفی سراغ گرفت که غالباً در قالب برنامه‌های رفتارشناسی و گروه‌درمانی (Yalom, 1995: 3-18) تعریف شده و هر کدام به نحوی بازآموزی محکومان، رشد و بازپروری و اصلاح آنها را در راستای کاهش نرخ تکرار جرم مورد توجه قرار داده‌اند (Little and Robinson, 1986: 7-32). در روش درمان اخلاقی (Moral Treatment) یا مبتنی بر آموزه‌های اخلاقی که به لحاظ مبانی پارادایمی به نظریهٔ رشدی و شناختی ژان‌پیاژه (Jean Piaget) و نظریه رشد اخلاقی لورنس کلبرگ (Lawrence Kelberg) ارجاع داده می‌شود و نگاهی مسالمت‌آمیز به مجرمان دارد، آموزش و انتقال مفاهیمی چون چالش ارتکاب جرم با موازین و ارزش‌های اخلاقی و مذهبی، تلاش برای تخلّق به اخلاق انسانی و رهایی از اخلاق رذیله و صفات و خصایص زشت و ناپسند در چارچوب آموزه‌ها و اصول علم اخلاق برای محکومان در کانون توجه قرار می‌گیرد. زندانیانی که از پالایش اخلاقی در زندان برخوردار می‌شوند، می‌توانند ملکات نفسانی و هیئتِ روحی خویش را به سوی امور خیر و نیک هدایت کرده و به‌تدریج از امور و فعالیت‌های زشت و ناشایست روی‌گردان شوند و به قدر کفایت از اندیشه‌ها و رفتارهای مجرمانه فاصله بگیرند (Boston, et al, 2001: 9-10).

اصلاح، جامعه‌پذیری و درمان محکومان متکی بر تدابیر و راهبردهای مختلفی است که بایستی استقبال از آنها برای زندانیان اختیاری و غیر اجباری باشد. این گزاره کاملاً در عقاید امام خمینی (ره) قابل جستجو می‌باشد. ایشان صریحاً احترام به آزادی و حقوق انسان‌ها را با عدالت مرتبط دانسته و مبارزهٔ سرسختانه با هرگونه جبریت، جباریت و نفی اختیار آدمی را در سرلوحهٔ زندگانی خود قرار داده بود (جمشیدی، پیشین: ۴۹۶) و می‌فرمایند؛ «... اسلام به دنبال عدالت اجتماعی است. رفتارهای ظالمانه و بی‌حساب مغایر با اسلام است. ما باید تلاش کنیم که تابع قران و دین اسلام باشیم، اسلامی که در آن هیچ ظلم نباشد...» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴۲). تعالیم قرآنی (نظیر آیهٔ شریفه ۱۵ سورهٔ اسراء که می‌فرماید؛ «من اهتدی فأنما یهتدی لنفسه و من ضل فأنما یضل علیها»)، صراحتاً انسان را موجودی دارای اراده و اختیار معرفی می‌کند که می‌تواند به واسطهٔ نصیحت و ارشاد دست

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

به گزینش بهترین انتخاب‌ها و رفتارها بزند (مصباح، ۱۳۷۳: ۴۴۲). بنابراین، احترام به عقاید و ارادهٔ زندانیان در اجرای برنامه‌های اصلاحی، عملی کاملاً موافق با آموزه‌های دینی و اخلاقِ اسلامی ـ قرآنی است. محققاً سلبِ مطلق اختیار و آزادی‌های محکومان در زمان اقامت در زندان و مجبور ساختنِ آنها به تن دادن به هر برنامه و اقدامی مصداقی عیان از این جبریت است که با عقاید امام خمینی در معارضهٔ آشکار قرار دارد. اصلاح شدن زندانیان قطعاً دارای بعد فرهنگی و جامعوی می‌باشد و شامل برنامه‌های مختلفی است که تحکیم و تحقق آنها نیازمند کشش و تمایل راستین شخص محکوم به سوی آنهاست. یقیناً با زور و جبر نمی‌توان به آموزش زندانیان و بازاجتماعی‌سازی آنها پرداخت (Ashworth, 1999: 70). اساساً تفکر جرم‌شناسانهٔ اصلاح‌مدار سنخیتی با راهبرد «جبرگرایی» نداشته و برنامه‌های برخاسته از آن فاقد صبغه و روحیهٔ تحمیلیِ صرف می‌باشند. در این تفکر، مجرمان افرادی فاقد قوهٔ شعور و آسیب‌دیدهٔ مطلق تلقی نمی‌شوند. توجه انسان‌دوستانه به حقوق قانون‌شکنان و مجرمان در ضمن کیفردهی بایسته، عادلانه و واقع‌گرایانهٔ آنها رویکردی عقلانی و مشروع است که به فلسفهٔ برنامه‌های اصلاحی در محیط کیفری معنا می‌بخشد (Morrison, 1995: 19-55).

۲-۱. محتوا و وجههٔ اخلاقیِ اصلاح‌مداری

محققاً بزهکاران و مجرمان مستحق تنبیه و مؤاخذه بوده، لیکن کماکان حقوق شهروندی مسلمی هم دارند (Bottoms, 1995: 23). امام خمینی (ره) با باور قلبی نسبت به این آموزه، به مسئولین زندان‌ها توصیه دارد که در ایام حبس باید به وضع زندانیان توجه ویژه داشت (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴۹۴)، و به فکر رفاه حال آنها بود. با زندانیان رئوف و مهربان باشید و با آنها برادرانه رفتار کنید (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۴۳). هرگونه تعدی نسبت به حقوق زندانیان ولو قاتلان و جنایتکاران ممنوع است. باید طبق دین اسلام و آنچه عدالت اقتضا می‌کند با آنها رفتار کرد (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۵۰).

در تاریخ تفکر اصلاح‌مداری، رویکرد اخلاقی و تلاش برای اصلاح اخلاقی محکومان تشکیل‌دهندهٔ نگرشِ آغازین در حوزهٔ جرم‌شناسی اصلاح و درمان بوده است (Cann, Op. cit). امروزه بیش از هر زمانی به اخلاق با فهم اخلاقی نگریسته می‌شود و به موازات اندیشهٔ اصلاح اخلاقیِ محکومان بر اهمیت بازپروریِ هنجارمندانهٔ اجتماعی و بالینیِ آنها نیز تأکید می‌شود. گفتمان معاصر اصلاح و درمان متشکل از تلاش برای اصلاح

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

اخلاقیِ محکومان و توجه به انتقال آموزه‌های اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناسانه به آنها می‌باشد. درونی‌سازی ارزش‌های جامعه و موازین هنجاری آن در بافت ذهنی و رفتاری محکومان کاربست اصلی اصلاح اخلاقی را بنا می‌نهد (Cullen, 2002: 8). خودکنترلی و اتکا بر بیدارسازی نفس لوامه ـ آن‌گونه که در تعالیم اسلامی مورد شناسایی واقع شده است ـ ابزاری توانمند در راستای بازپروری زندانیان بوده و به آنها می‌آموزد که هیچ ابزارِ بیرونی نظیر نظام تنبیهات سخت و خشن به تنهایی نمی‌تواند به نحو گسترده و موفقیت‌آمیزی مانع از وقوع جرم و یا تکرار آن گردد، اما خویش ـ بازداریِ اخلاقی بدون نیاز به ابزارهای قاهره و سرکوبگر می‌تواند راهبردی راهگشا در این حوزه باشد و از خودِ مجرمان کنشگری فعال و بازپذیرشده در راستای مقابله با تکرار جرم و بزهکاری بسازد. این همان مفهوم تهذیب و تزکیه نفس است که امام خمینی (ره) به‌طورکلی از آن به‌عنوان عاملی برای ترقی انسان و اصلاح جامعه و حکومت یاد کرده است (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۵۲). از الزامات عدالت، تهذیب و ساخته شدنِ انسان‌ها و تبدیل شدن انسان به انسان فاضله و عادل و جامعه به جامعهٔ عدل است، زیرا با عادل شدنِ انسان‌ها جامعه نیز عادل می‌شود. عدالت در مفهوم طریقیت، راه ساخته شدنِ انسان است (جمشیدی، همان: ۴۸۷). شکل‌گیری وجدان اخلاقی در وجود محکومان هدفِ مهمی است که فراروی سیاست و جرم‌شناسی اصلاح‌مدار بوده و سبب شده است رویکرد نظری کلان این الگوی جرم‌شناسانه از مبانی و الزاماتِ پارادایم‌های الهی و بهره‌مند از بینش اخلاقی غافل نباشد. این اخلاق، گزاره‌ای ارزشمند برای شکل‌گیریِ «جرم‌شناسی اخلاقی» است که به رغم سیر در متن رهیافت‌های نظری، نه از مبادیِ عقلانیت انتقادی غافل است و نه به عرصهٔ عمل و اقدام برای تحقق بخشیدن به آرمان بازگشتِ محکومان به اجتماع، بی‌توجه.

۲. موازین و الزامات اخلاقی در اجرای برنامه‌هایِ اصلاح زندانیان

در جامعهٔ اسلامی آنگاه می‌توان از عدل الهی و عدالت اجتماعی سراغ گرفت که حقوق همهٔ افراد بدون هیچ‌گونه تبعیضی تضمین شود. به قول امام خمینی (ره) حتی آنانی که به جامعه و امت اسلام خیانت کرده و مرتکب جرم شده‌اند، قبل از هر چیز هنوز یک انسان هستند که باید با آنها رفتاری اسلامی و عادلانه داشت. اخلاق می‌طلبد که با زندانیان با آرامش و احترام رفتار شود (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵۲۸) و به رفاه آنها هم توجه شود (امام

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

خمینی، ۱۳۷۸: ۱۱۵). تأکید بر رفتار محترمانه با زندانیان، توصیهٔ مهم و شگرفی است که ملزومات متعددی دارد. رعایت هر آنچه که مفید معنایِ ارج نهادن به کرامت ذاتی انسان‌ها و فطرت الهی آنها باشد، مصداقی از مفهوم «احترام و تنسیق رفتار محترمانه» می‌باشد. رعایت حقوق انسانی زندانیان نظیر ارائهٔ آموزهای انسانی و اسلامیِ لازم، حق بر مراوده در محیط کیفری، ارتباط قانونمند با خانواده و نزدیکان و تا حد امکان کارگزاران دنیای خارج از زندان، پرهیز از شکنجه و توهین و تضمین حداقل استانداردهای لازم برای زندگی در حبس مصادیقی دیگری از این تعبیر گرانسنگ در کلام امام خمینی می‌باشند که می‌توان آن را جانمایهٔ «اخلاق اصلاحی در محیط زندان‌ها» نامید. به‌طورکلی، رعایت موازین اخلاقی مکرراً مورد توصیه امام خمینی بوده و ایشان از آنها به‌عنوان شرط رفتار سالم و سازنده در کلیه شعون یاد می‌کند (همان: ۲۹۱). لذا می‌توان از اخلاقی بودنِ برنامه‌ها و تدابیری که در محیط زندان‌ها اجرا می‌شوند، به‌عنوان یک مقدمهٔ واجب برای اسلامی‌سازی نظام مجازات‌ها در مرحلهٔ اجرا یاد نمود که عمیقاً مورد نظر و سفارش امام خمینی نیز بوده است (زارع، ۱۳۸۶: ۲).

در تبیین و توجیه برنامه‌های اصلاح و درمان محکومان به مبانی مختلفی استناد می‌شود. مستندات و علقه‌های فلسفی، تاریخی، حقوقی، روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه از این دست مبانی‌اند. در این میان مسلمات و مبانی اخلاقی جایگاه ممتازی داشته و در طول تاریخ تکوین و تطور جرم‌شناسی اصلاح‌مدار همواره مورد استناد قرار داشته‌اند. علوم جرم‌شناسی و حقوق جزا و رهیافت‌های برخاسته از آنها متأثر و ملهم از مبانی اخلاقی می‌باشند. با چنین فهمی است که جرم‌شناسی اصلاح‌مدار به رغم همهٔ علایق جامعه‌شناسانه و بین‌رشته‌ای خود، همواره تمرکز عمیقی بر نگرش اخلاقی نسبت به مفاهیم جرم، مجرمان و اصلاح آنها دارد. اینکه برای مجازات کردن مجرمان هیچ دلیل دیگری به جز ارتکاب جرم و مجرم بودنشان لازم نیست (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۵۱-۱۵۰) و اینکه هرکس کار و عمل ناشایستی انجام دهد، جزای آن را خواهد دید و ممکن است نسبت به او یکسری تدابیر اصلاحی و بازدارندهٔ افتراقی نیز اعمال گردد، مبنایی اخلاقی و آشنا در تبیین و واکاوی حقوق و جرم‌شناسی با رویکرد اصلاحی است. نمی‌توان با اخلاق شوپنهاوری (شوپنهاور، ۱۳۹۱: ۸۳) دنیا را سراسر ناامیدانه نگریست و یا بخش اعظم از سرنوشت محکومان را به امور غیر ارادی و قواعد جبری نسبت داد. به خلاف نظر برخی متفکران (شوپنهاور، ۱۳۹۳: ۹۶)، اخلاق‌باوری میانه‌ای با مقدر دانستنِ جبر گریزناپذیر در زندگی آدمی ندارد و در طبیعت

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

زور و بداخلاقی حکومت نمی‌کند. زندگی محکومان خصوصاً در ایام حبس با مشکلات انبوهی همراه است. نمی‌توان به سبک و فلسفهٔ زندگی هیچ فردی ولو مجرمان با حقارت و طعنه‌باوری نگریست. آنها کماکان حق بر زندگی دارند و اخلاق انسانی نمی‌پذیرد حضورشان در اجتماع نادیده انگاشته شود؛ افسانه‌ای که بس واقعی می‌نماید. مبانی اخلاقیِ اصلاح‌گرایی همانند هدف از آن به چراییِ تدوین و اجرای برنامه‌های اصلاحی در رهگذرِ الزامات اخلاقی معطوف است. نگاهِ فلسفی، ابزار اصلی برای فهمِ این مبانی است. وانگهی، نباید تفسیرهای اخلاقی و فلسفی از جریان اصلاح‌مداری را به مثابهٔ جرم‌شناسی فلسفی انگاشت.

۱-۲. جستجوی عدالت

اجرای برنامه‌های اصلاحی در قبال زندانیان کاملاً به موقعیت کیفر در جامعه وابسته بوده و به آن موضوعیت داده است (Alexander, Op. cit, 20). عدالت محض، آرمانی اخروی و آن جهانی است که نیل به آن در دسترس بشر قرار ندارد. جهت پرهیز از تعطیل شدن اجرای احکام اخلاقی در جامعه است که اعمال سیاست‌ها و برنامه‌های اصلاحی توجیه‌پذیر و قابل دفاع می‌گردد. این برنامه به قوام بیشتر فرهنگ مجازات‌ها کمک نموده و آنها را از اندیشه سزاگرایی رادیکال ـ افراطی مجزا و دور می‌سازد. این تدابیر با عدالت نسبی و تحقق‌پذیر سازگار بوده و طرحی برای صیانت از بسترهای ذهنی و عینی آن تلقی می‌شوند. لذا صرف اجرای کیفر حبس به معنی احترام‌گذاری به موازینِ اصلاحی و اخلاق اسلامی حاکم بر آنها نیست و میان آنها ترادف منطقی برقرار نمی‌باشد. امام خمینی خطاب به رؤسای زندان‌ها در هشتم تیرماه ۱۳۶۰ می‌فرمایند؛

«من یک کلمه به کسانی که رئیس زندان هستند و اشخاصی که زندانبان هستند می‌گویم و آن اینکه این‌طور نباشد که یک جنایتی واقع شد، اینها آرامش خودشان را از دست بدهند و خدای ناخواسته با زندانیان ولو اینکه از گروه‌های فاسد باشند، با خشونت غیر اسلامی عمل کنند» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵۲۸). در این فراز بر رعایت موازین اسلامی در مواجهه با زندانیان تأکید شده است. در همین چارچوب ایشان در فرازی دیگر می‌فرمایند؛ «... لازم است (زندان‌ها) در حفظ سلامت بیشتر و بهداشت بهتر زندانیان برنامه‌هایی داشته باشند تا آنها زائد بر سختی‌های زندان از سختی‌های دیگر رنج نبرند» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱۸). عدالت‌محوری که مفهوم و گزاره‌ای ذاتاً اخلاقی است، مبنای صدور

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

این آراء در نزد امام خمینی است که ایشان از آن به‌عنوان منشأ دین، قانون و مهمترین علت تشریع احکام تعبیر نموده (جمشیدی، همان: ۴۸۴) و مبنا و اساس دین مبین اسلام را نیز به آن ارجاع می‌دهد (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۹۶). ایشان در توصیف عدالت در کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل می‌فرمایند؛ «بدان که عدالت عبارت است از حد وسط بین افراط و تفریط، و آن از امهات فضایل اخلاقیه است، بلکه عدالت مطلقه، تمام فضایل باطنیه و ظاهریه و روحیه و قلبیه و نفسیه و جسمیه است، زیرا که عدل مطلق، مستقیم به همه معنی است» (امام خمینی، ۱۳۷۸-۱۳۷۷: ۱۴۷).

۲-۲. تحقق بخشیدن به مصلحت‌گرایی

به لحاظ اخلاقی، هیچ الزام و اجباری وجود ندارد که اجرای کیفرهای مقارن با برنامه‌های اصلاحی قابلیت تجدیدنظر یا دخل و تصرف نداشته باشند. به تعبیر ابن سینا، اصلی‌ترین هدف تعلیم و تربیت برای ابناء بشری و در کلیهٔ سطوح رسیدن فرد و جامعه به سعادت و کمال است (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۴). تضمین مصالح در اجرای راهبردهای اصلاحی در قبال محکومان تحت هر شرایطی آنگاه توجیه اخلاقی دارد که به آرمان کمال‌طلبی توجه نماید. گاهی مصلحت و تضمین منافع عالیهٔ فرد و اجتماع می‌طلبد که مثلاً پیش از خاتمهٔ محکومیت دسته‌ای از محکومان با اعطای عفو حکم به خروج آنها از محیط کیفری داد و طرح‌های اصلاحی را متوقف ساخت. مصلحت‌محوری، جزئی ذاتی از حقوق زندانیان و جرم‌شناسی اصلاح مدار است که بدون آن نمی‌توان از تحقق الزامات و آموزه‌های اخلاقی در بستر آنها سراغ گرفت. عنصر مصلحت در میان دیدگاه‌های حقوقی ـ قضایی امام خمینی هم مورد تأکید قرار گرفته تا جایی ایشان صراحتاً بر وجه اطلاق عناصر ضرورت و مصلحت را در متن سیاستگذاری و قانونگذاری وارد و جاری می‌سازند. ایشان در فرازی می‌فرمایند؛ «آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد که فعل یا ترک آن موجب اختلال نظام می‌شود و آنچه ضرورت دارد که ترک آن یا فعل آن مستلزم فساد است...» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۹۷). مدلول مطابقی سخنان امام خمینی نشان‌دهندهٔ این واقعیت است که عمل به ضروریات جامعه و دین اسلام و توجه به مصالحه عامه ـ آن‌طور که در کلام امام خمینی مفهوم‌سازی شده ـ رویکردی وسیع است که کلیه شئون قانونگذاری در جامعه را تحت پوشش قرار داده و عمل به آن در حق کلیهٔ اقشار ازجمله گروه زندانیان لازم و مورد توصیه است. از این روست که در حقوق جزای اسلامی، فلسفهٔ

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

حبس اصلاحی (یا برنامهٔ اصلاحی حبس‌مدار) هرگز یک بعدی نبوده و در عمل فاقدِ روحیه‌ی تمامیت‌خواهیِ کیفری است. در عین اینکه باید از استحقاق تحمل چنین حبسی در وجود محکومان غفلت نورزید، شایسته است به منافع و مصالح مهم فردی و اجتماعی نیز توجه داشت. گاهی اوقات مصلحت مقتضی تبدیل، تغییر، تجزیه نمودن و یا تعطیل نمودن سیاست‌های اصلاح‌خواهانهٔ اجرایی و کیفری است. لذا به محض دستیابی به اهداف اصلاحی، دیگر نباید بر ادامه یافتن فرآیند اجرای پاسخ‌های رسمی و اصلاح‌گرایانه اصرار ورزید. دفع مفسده‌های احتمالی در اجرای این پاسخ‌ها، الزامی اخلاقی فراروی کنشگران و سهامداران نظام عدالت و جرم‌شناسی اصلاح‌مدار در محیط کیفری و زمان خروج از آن است.

۳-۲. استوار ساختنِ ارزش‌های دینی ـ اعتقادی در میان زندانیان

مذاق شارع اسلام بر این امر استوار است که انسان در کلیهٔ زمان‌ها محتاج ارزش‌های دینی و اعتقادیِ روشنگر و الهی است (خلیلی و همکاران، پیشین: ۱۴۴). هر قانونی هم که در جامعه وضع می‌شود باید به این ارزش‌ها و مبانی دینی توجه داشته و انسان را به سوی کمال واقعی راهنمایی نماید. انسان ذاتی تربیت‌پذیر و الهی دارد. لذا برای تعلیم و تربیت وی در هر زمانی و تحت هر شرایطی باید به احکام شرعی که قوانین اسلام هستند توجه نموده (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۸۶) و به اصلاح باطنی او توجه داشت که از رهگذر همین قوانین شرعی قابل تأمین است. امام خمینی ضمن تأکید بر این مسئله که مشکلات، گمراهی‌ها و هیاهوها از آنجایی به پا می‌شود که ایمان نباشد (همان)، می‌فرمانید؛

«همهٔ زحمت انبیاء برای این بود که یک عدالت اجتماعی درست بکنند برای بشر در اجتماع و یک عدالت باطنی درست کنند برای انسان در انفراد» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۸۶) یقیناً مصداق روشن عادل شدن یک انسان عمل به قوانین شرعی و دستورهای اخلاقی آن مبنی بر پرهیز از قانون‌شکنی و جرم است. وقتی زندانیان در جریان بازآموزی اخلاقی در زندان با ارزش‌ها و قوانین دینی و شرعی آشنا شوند، می‌توان انتظار داشت که دیگر بسوی تکرار جرم و قانون‌شکنی سوق نیابند. لذا پیشگیری به مدد تعالیم دینی اقدام مهمی است که مورد توصیه انبیاء الهی و امام خمینی نیز قرار گرفته و به طرق مختلفی بر آن تأکید شده است. اخلاق دینی و تلاش برای نهادینه‌سازی اسلوب اعتقادیِ توحیدی در میان محکومان زندانی که بدنهٔ روش درمان اخلاقی آنها را نیز تشکیل می‌دهد، قاعده‌ای مستحکم در تنظیمِ

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

روشمندی برنامه‌های اصلاحی است. اگر تفکرات جرم‌شناسی اصلاح‌مدار نتوانند چهرهٔ مطلوب و صحیحی از ارزش‌های دینی برای زندانیان ترسیم نمایند، نمی‌توان مدعی اخلاق‌باوریِ ضابطه‌پردازان و مسئولان اجرای تدابیر و برنامه‌های اصلاحی در بسر نظام عدالت کیفری بود. دین‌مدار شدن رویکرد جرم‌شناسی، از شالوده‌های نظری سراغ گرفتن اخلاق در قلمرو آن است. انسان اعم از گناهکار و مجرم و یا ناکرده بزه به حکم فلسفهٔ آفرینشش موجودی هدفمند با ابعاد غیر مادی است (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷۶) که فطرتاً جستجوگر سعادت‌طلبی و کمال‌گرایی می‌باشد. تعالی روح محکومان و کمک به آنها در فهم صحیح از فلسفهٔ آفرینش و هدفمندی خود و زندگی اجتماعیِ‌شان، باید در تار و پود برنامه‌های اصلاحی مستتر و مستقر باشد تا بتوان از وجود یک جرم‌شناسی با رویکرد الهی و انسان‌شناسانه سراغ گرفت.

٤-۲. نفی زور و اجبار غیر لازم در اجرای برنامه‌های بازپروری مجرمان

اینکه باید در برخورد با زندانیان از رفتار و گفتار ناهنجار پرهیز شود (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۴۵) و نباید زائد بر آنچه حکم خدا و قانون اسلام است با آنها رفتار کرد (همان: ۵۲۹-۵۲۸)، مقتضی آن است که از شکنجه، آزار و مجبور ساختنِ زندانیان به انجام یا ترک یکسری افعال خودداری نمود و مقدم بر هر مسئله‌ای به منزلت و کرامت انسانی آنها توجه داشت. به تعبیر امام خمینی (ره) در جمهوری اسلامی زورگویی نیست، در جمهوری اسلامی ستم نیست ... در جمهوری اسلامی عدالت الهی سایه می‌افکند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵۲۵). لذا اکراه و اجبار آدمیان برای رعایت قوانینِ اجتماع و موازین دینی و اخلاقی، بدون اصلاح باطنی آنها موفقیت‌آمیز نخواهد بود (خلیلی و همکاران، همان). ازاین‌روست که رویکرد جرم‌شناسی اصلاح و درمان به‌طورکلی و برنامه‌های اصلاحی برخاسته از آن به‌طور جزئی هیچ اقترانی با روحیهٔ جبرباوری جنایی ـ پیشگیرانه ندارد. رکن اصلی اخلاق، آزادی اراده است. محققاً فردی که به خاطر ترس از تنبیهات مضاعف و یا مجازاتِ استحقاقی از آموزه‌ها، الزامات و فرایض اخلاقی تبعیت نماید، هرگز فردی متخلق به اخلاق و معتقد به ضرورت تن دادن به برنامه‌های اصلاحی تلقی نمی‌شود. با اخلاق‌گرایی سطحی و ظاهری و حمایت کیفری افراطی و غیر ضروری از ارزش‌ها نمی‌توان برای تحقق آرمان‌های اخلاقی بسترسازی نمود (Dewey, 1909: 4). تضمین اخلاق با بی‌اخلاقیِ روشی و ترس‌آفرینیِ کیفریِ صرف رابطه‌ای ندارد. بنابراین، در اجرای برنامه‌های اصلاحی جلب همراهی خودِ

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

محکومان و اجرایی‌سازی سطوحی از الزام و اجبارِ هدفمند، معتدل و قانونگرا یک تکلیف فراروی نهاد زندان و یاری‌گران متعدد آن نظیر جرم‌شناسان حوزهٔ اصلاح و درمان می‌باشد. باید به روش اخلاقی، اهمیت و قداست موازین اخلاقی را به محکومان آموزش داد.

۵-۲. مطلوبیتِ برنامه‌های اصلاحی

موفقیت برنامه‌ها و روش‌های اصلاحی که در حق زندانیان پیاده می‌شوند تا حد زیادی به سطح توجه به مسائلی چون سلامت جسمی و روحی آنها وابسته می‌باشد. توجه به بهداشت بهتر برای آنها (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱۹) و نیز سفارش اکید به حفظ سلامت زندانیان یکی از آموزه‌های حقوقی ـ قضایی در تفکرات امام خمینی (ره) است (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱۸) که به مناسبت‌های مختلفی در کلام ایشان انعکاس و نمود عینی یافته‌اند. اجرای روش‌ها و تدابیر اصلاحی در قبال محکومان آنگاه توجیه اخلاقی دارد که به آنها در مسیر بازگشت هدفمند به جریان زندگی متمدنانه، هنجارمند و سعادت‌جویانه کمک نماید. اگر برنامه‌ای به کرامت ذاتی محکومان التفات داشته باشد، نمی‌تواند موجب تن دادن آنها به تبعیت از سیاست‌هایی گردد که با مسیر ارزش‌های اخلاقی و تعالی‌طلبی معارضه داشته باشد. تحقق بخشیدن به لوازم عقلی و اجتماعی کرامت‌مداری در حق محکومان مستلزم کسب معرفت و بینش صحیح نسبت به لزوم مطلوبیت و کارآمد بودن برنامه‌های اصلاحی است. اخلاق اصلاحی با چنین بینش و روحیه‌ای قرین است.

۶-۲. سازگاری وسایل (برنامه) با هدف در پاردایم بازپروری بزهکاران

اهدف اخلاقی، با روش و وسایل غیر اخلاقی محقق شدنی نیست (White, 2015: 10). سیاستگذاری اصلاحی و به تبع آن برنامه‌هایی که به منظور بازپروری و اصلاح محکومان عملیاتی و اجرا می‌شوند، بایستی همسو با فطرت بشر و نیکوخصلتی ذاتی آنها باشد. تضییع حقوق انسانی، نقض بایدها و نبایدهای رفتاری در برخورد با زندانیان، تبعید آنها به محیط کیفری و بی‌اعتنایی به آرمان‌های انسانی آنها موجب نقض غرض بوده و اجرای تدابیر اصلاحی را با حرمان و ناکامی مواجه خواهد ساخت. برنامه‌ها و روش برخورد با زندانیان باید آنها را به مسیر فطرت الهی بازگردانده و به سوی تزکیهٔ راستین سوق دهد. انبیاء همه آمدند آدم را درست کنند، یک نبیئی نیامده است که مقصدش این معنا نباشد که انسان را اصلاح کند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۰۲). در همین راستا امام خمینی (ره) می‌فرمایند؛ «از

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

مسئولین می‌خواهم وضع زندان‌ها را تحت نظر قرار دهند و سفارش اکید کنند که با زندانیان رفتار اسلامی ـ انسانی کنند. چه نیکوست که گویندگان متعهد در زندان‌ها حاضر شده و زندانیان را تحت تربیت اسلامی ـ اخلاقی قرار دهند ...» (امام خمینی، همان: ۲۱۸).

موافقت امام خمینی با تشکیل ستاد اصلاح امور زندان‌ها و صدور اجازهٔ تأسیس آن برای مقامات قضایی کشور (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴۵۰) به موازات تأکید بر ضرورت اصلاح و تربیت اخلاقی ـ اسلامی زندانیان نشان از اهمیت هدف اصلاحی فراروی نظام زندانبانی و در تفکرات قضایی معظم‌له دارد. مخالفت با سیستم زندان‌های انفرادی (همان)، تأکید بر اسلامی‌سازی زندان‌ها (امام خمینی، ۲۷۳) و اصرار و توصیه به لزوم ارتباط و معاشرهٔ اسلامی با زندانیان (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۸۴) همگی مؤید لزوم اتخاذ روش‌هایی اسلامی و اخلاق‌مدارانه برای مواجهه با محکومان و تلاش برای دستیابی به هدف اصلاح و بازپروری آنها می‌باشند.

۷-۲. لزوم بهره‌گیری از همهٔ ظرفیت‌های علوم انسانی و اجتماعی

چهرهٔ اخلاق‌گرایانهٔ راستین آنگاه بر هیبت و وجود جرم‌شناسی اصلاح و درمان حاکم می‌گردد که ضمن تنظیم‌گری استراتژیک با روش دین‌مدارانه و الهی، فرصتی برای به استعاره گرفتن دستاوردها و یافته‌های علوم انسانی و اجتماعی در حوزه‌های مختلف که مرتبط با معنای زندگی و جایگاه انسان در جهان و جامعهٔ پیرامون می‌باشند، مهیا شود. عقلانیت روشی، الزامی اخلاقی و دانش‌بنیاد است (Dewey, Op. cit, 6) که به اجرای برنامه‌های اصلاحی شخصیت و اعتبار اعطا می‌کند. وسعت نگرش و جهان‌بینیِ وسیع موجب می‌شود که در اجرای این برنامه بتوان به نحو مطلوب‌تری برای شبیه‌سازی محیط کیفری با محیط خارج و جامعهٔ آزاد تلاش نمود و شرایط مساعدتری برای نقش‌آفرینی محکومان در متن طرح‌ها و برنامه‌های اصلاحی فراهم آورد.

۸-۲. توجه به فرهنگ سازش‌گرایی و مصالحه‌جویی

ارتکاب جرم از سوی بسیاری از مجرمان نشانهٔ خودخواهی است، اما باید توجه داشت که در برخورد با آنها نباید خودخواه، خودرأی و بی‌ضابطه بود. امام خمینی رأس و ریشهٔ همهٔ خطاها را در خودخواهی بشر می‌داند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶۲). محققاً احساس امنیت و بهداشت هنجاری از لوازمِ اصلی برای پیشرفت و حرکت تکاملی در همهٔ جوامع است

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

(مصباح، ۱۳۶۵: ۵). باید با گفتگوی مسالمت‌آمیز با مجرمان در چرخهٔ اجرای تدابیر اصلاحی این پیام را به آنها منتقل نمود که جرم سازگاری و انطباقی با ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی نداشته و جامعه و شهروندانِ قانونگرا حساسیت آشکاری نسبت به آن و لزوم مؤاخذهٔ مرتکبانش دارند. مجرمان باید بیاموزند که جرم لطمات بی‌شماری بر آرامش و امنیت عمومی اجتماع وارد می‌سازد و نهادها و کنشگران مختلفی را درگیرِ فرآیند مهار آن می‌سازد. اختصاص هزینه‌های اقتصادی انبوه و تعریف بودجهٔ ذهنی و نظری برای اعمال سیاست‌های بازدارنده یکی از اقدامات همیشگی جوامع جهت مسدودسازی مجاریِ رخداد جرم و بزهکاری است. یکی از جنبه‌های مهم تربیت اخلاقی، تربیت فردی است (White, Opcit, 3). اگر مجرمان اخلاقاً مسئولیت‌پذیر شده و از هزینه‌های فرصتِ متکثر ناشی از سرمایه‌گذاری برای مهار رفتار ارتکابی آنها از جانب اجتماع آگاه شوند، انتظار می‌رود به نحو محسوس‌تر و مطلوب‌تری با منطق برنامه‌های اصلاحی و درمانی همراهی نمایند. ترک نگاه دشمن‌مدارانه نسبت به محکومان، یکی از لوازمی بنیادینِ راغب‌سازی آنها جهت مشارکت در این فرهنگِ صلح‌جوییِ سراسری است. در این باره امام خمینی (ره) خطاب به مسئولین زندان‌ها می‌فرمایند؛ «... لکن این‌طوری نباشد که حالا از باب اینکه یک دسته‌ای از ما به‌وسیلهٔ همین گروه‌ها (زندانیان) از بین رفته، حالا ما در حبس با اشخاصی که محبوس هستند خدای ناخواسته به خلاف موازین اسلام عمل کنیم ... مبادا مسئولان کنترل خود را از دست داده و با خشونت با زندانیان رفتار و برخورد کنند...» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵۲۹-۵۲۸).

۹-۲. صداقت در روشِ برخورد با زندانیان

تلاش برای برقراری نظام زندانبانی اسلامی مستلزم صداقت در طرز رفتار با زندانیان است. به تعبیر امام خمینی (ره) این نیت صادقانه و ارادهٔ خالصه است که کمال و نقص و صحت و فساد اعمال و عبادات کاملاً تابع آن است (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۹۱). متولیان، مجریان و ناظران اجرای برنامه‌های اصلاحی بایستی با دلسوزی راستین نسبت به آیندهٔ محکومان و البته وانهادن علقه‌های رفتاریِ تحقیرکننده، بستری برای مجذوب شدن زندانیان در متن تدابیر اصلاحی و درمانی در محیط کیفری و سپس در فضای آزاد در تعامل با آن فراهم سازند.

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

۱۰-۲. ارج نهادن به ارزش‌ها

خداوند خطاپوش و توبه‌پذیر است. در برخورد با زندانیان باید فرصت توبه و بازگشت را به آنها آموخت (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۳۸). از دید امام خمینی (ره) تمامیت حکومت، ابزاری برای تحقق عدل در جامعه و جلوگیری از انحرافات است (جمشیدی، همان: ۴۴۴). در اجرای برنامه‌های اصلاحی باید انگیزهٔ خداجویی را در وجود زندانیان بیدار ساخت. این انقلاب و این بیداری، خود به درست کردن انسان‌های مجرم و بزهکار مدد می‌رساند. توفیق جرم‌شناسی اصلاح‌مدار مشروط به آن است که با اجرای برنامه‌های اصلاحی در قبال زندانیان آنها به قدر لازم به لحاظ اخلاقی متنبه و اصلاح شده و آنگاه با تجهیز به دانش و اطلاعات لازم بتوانند آمادهٔ ورود و بازگشت مجدد به اجتماع گردند. در این چرخه، احترام گذاشتن به ارزش‌های اجتماعی و تقویت سازندهٔ آنها در متن تعلیم و تربیت محکومان نقش تعیین‌کننده و مهمی دارد. ارزش‌ها واقعیت‌هایی هستند که احتیاجات و اشتیاق‌های گوناگون انسان را برآورده می‌سازند. توانمندسازی زندانیان و اعطای قدرت به آنها برای بازپس‌گیری نقش‌های متمدنانهٔ از دست‌رفته به واسطهٔ تجربهٔ ارتکاب جرم در جامعه و حضور مسئولانه در متن سیاست‌های برخاسته از دمکراسی اجتماعی، ارتقای سطح دانش و بینش محکومان نسبت به طرق صحیح و قانونیِ دست یافتن به اهداف و آرمان‌ها، مبارزه با فقر و مشکلات مالی آنها و ایجاد یک بستر برای جذب زندانیان اصلاح‌شده در فرصت‌های شغلی مناسب و متناسب با دانش و مهارت‌های آنها، تلاش برای ارتقای سطح کیفی سلامت و بهداشت جسمی و روحی محکومان، اشاعهٔ ارزشِ مهارت در میان آنها، برخورد توأم با منش انسانی و محبت با زندانیان که بتواند موجب علاقه‌مندی محکومان به فلسفهٔ تدابیر اصلاحی گردد و نیز آموختن ارزش تقوی که با اعطای حدی از آزادی عقاید مذهبی و وجود امکانات لازم برای پرورش حالات روحانی محکومان ملازمه دارد، موجب می‌شوند تا بتوان به فرآیند اصلاح و درمان محکومان خصوصاً در محیط کیفری امیدوار بود. باید توجه داشت یکی از بزرگترین علل جرم و بزهکاری و سایر اعمال ضداجتماعی کمبودی است که بعضی افراد در درون خود حس می‌کنند و برای جبران این کمبود به مبارزه علیه جامعه برمی‌خیزند و در مقابل قانون قد علم می‌کنند. بی‌احترامی نسبت به اشخاص اگر مداوم و همیشگی باشد، در آنها احساس حقارت به وجود می‌آورد و چون خود را پست می‌شمارند، از ارتکاب اعمال پست و قانون‌شکنانه ابایی ندارند و ممکن است

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

به خاطر جبران این احساس به مخالفت با قانون که به تعبیر امام خمینی (ره) برتر از افراد، امری و لازم‌الاجراست (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۲۱)، برخیزند (صانعی، ۱۳۸۱: ۳۵۸).

۳. اصول اخلاق‌مدارِ مددکاری اجتماعی در حق زندانیان

بازپروری و تربیت الهی انسان آن‌گونه که امام خمینی (ره) بر آن تأکید مضاعف دارد (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۶۵)، مستلزم توجه به همهٔ ابعاد وجودی انسان است؛ انسانی که هیچ موجودی مثل او نیست (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۸۵). لزوم توجه به پیچیدگی‌های وجودی انسان و معارف الهی و اخلاقی ارائه شده برای تعلیم و تربیت او می‌طلبد که در مواجهه با گروهایی چون مجرمان و زندانیان یک اصول تعلیمی و مددکارانهٔ همسو مبانی دینی و وحیانی اتخاذ شود که بتواند انسان را به کمال مطلوب خودش و بازگشت به سوی قوانین جهان‌شمولِ اخلاقی رهنمود شود.

اجرای برنامه‌های اصلاحی تابع و متأثر از اصول مختلفی است. از آنجا که هیچ‌گونه بداخلاقی یا بی‌توجهی نسبت به آرمان‌ها و الزاماتِ اخلاقی در دسترس در قلمرو جرم‌شناسی اصلاح‌مدار اعتبار و توجیه ندارد و رکنِ محوریِ سیاستگذاری‌های جناییِ اصلاحی را اخلاق‌مداری و تلاش برای عمل به موازین اخلاقی و فرااخلاق تشکیل می‌دهد، می‌توان گفت تمامی اصول حاکم بر این نظام فکری در متن و بطن خود از صبغهٔ اخلاقی ویژه و خاصی برخوردار می‌باشند. البته در این میان ساختار و کیفیت اصول حوزهٔ مددکاری به نحوی است که عمیقاً وجههٔ اخلاق‌گرایانهٔ آشکارتری دارند. اخلاق به تنظیم و تنسیقِ مطلوب این اصول خصوصاً در حوزهٔ مددکاری اجتماعی در محیط کیفری کمک شایانی می‌نماید. محققاً پیشبرد موفق سازوکارها، روش‌ها و برنامه‌های اصلاحی و درمانی شدیداً به حضور و ایفای نقش یاریگران حرفه‌ای و مددکاران اجتماعی (Social Worker) به منظور کمک به زندانیان برای خودشناسی، کشف و شناسایی مسائل دشوار و مشکلات خود و نیز یافتن راه‌حل برون‌رفت از آنها وابسته می‌باشد. مددکار اجتماعی به دنبال ارتقای توانایی زندانیان برای حل مسائل و فائق آمدن بر مشکلات فردی، خانوادگی، شغلی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فرارو می‌باشد. این فعالیت گویای یک چرخهٔ تعاملی و ارتباطی می‌باشد که طی آن مددکار ابزارها و تدابیر لازم را برای توانمند شدن و ارتقای قابلیت مددجویان زندانی ارائه می‌دهد و سعی می‌کند با هم‌اندیشی با بزهکار یا مجرم شرایط مناسبی برای گذر وی از مشکلات فرارو یا حداقلی‌سازی و کنترل آنها فراهم آورد.

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

قطعاً زندانیان در ایام زندگی در حبس با مسائل و مشکلات متعددی مواجه می‌باشند که شناخت آنها و برنامه‌ریزی به منظور مقابله با آنها هم به ارتقای نگرش و انتظارات محکومان از زندان کمک می‌کند و هم می‌تواند بر احتمالاتِ معقول و فرصت‌های نیل به اصلاح و بازپروری آنها بیفزاید. مشاوره و ارائهٔ خدمات در بستر مددکاری اجتماعی در زندان فرآیندی عمومی و همه‌گیر است و صرف‌نظر از روش‌های اصلاحی شامل تمامی گروه‌های بزهکاران و مجرمان می‌گردد و ممکن است از سوی فرد متخصص یا نمایندگان مؤسسات و نهادهای رفاه اجتماعی در معیت زندان اجرا و عملیاتی گردد. این فعالیت که متمم سیاست اصلاح و درمان در زندان محسوب می‌شود، دارای اصول اخلاقی ویژه‌ای است که تحکیم و نهادینه شدن آنها می‌تواند به توفیق برنامه‌های زندان و کاهش و مدیریت مشکلات زندانیان کمک نماید (May and Wood, 2010: 5-6).

۱-۳. اجتناب از قضاوت مبتنی بر پیشداوری و تفکرات قالبی

ارتکاب جرم دلیلی برای بی‌احترامی نسبت به زندانیان و بی‌توجهی به حقوق آنها و نیز مجوزی برای ارتکاب رفتارهایی غیر انسانی و غیر اسلامی نسبت به آنها نیست (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵۲۹). نباید با نگاهی پیش‌داورانه به تحقیر و توهین نسبت به آنها پرداخت (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵۲۸). اساساً پیشداوری، اقدام و رویکردی فاقد توجیه اخلاقی است. انتظار می‌رود کنشگران و مجریان برنامه‌های اصلاحی در ایفای نقش و دخالت در فرآیندهایی اجرایی در چارچوب آموزه‌های انصافی، عقلانی و غیر مغرضانه عمل نمایند. فعالیت مددکاری اجتماعی آنگاه می‌تواند برای زندانیان اثربخش و کمک‌کننده باشد که مددکاران نسبت به زندان، زندانیان و شرایط زندگی، احساسات و تجربهٔ مجرمیت آنها، برنامه‌های اصلاحی، بودجهٔ موجود و ساختار و نحوهٔ ایفای نقش خود در محیط زندان‌ها و میزان یا احتمال مفید واقع شدنِ فرآیند همراهی و خدمات مشاوره‌ای به زندانیان فاقد پیشداوری و تفکرات قالبی (Sterotype) باشند. اصولاً پیشداوری اعم از صور مثبت و ایجابی یا منفی و سلبی آن موجب شکل‌گیری توقعات و انتظارت نابه‌جا، شکننده و ظاهربینانه و نیز قضاوت شتاب‌زده، غیر مستند و توهمی نسبت به مددجویان، اجزا و سازه‌های محیط کیفری می‌گردد (Jean, 2004: 130) و عناصر نرم‌افزاری و سخت‌افزاری زندان را با برچسب‌های منفعل‌کنندهٔ مختلفی مواجه می‌سازد و حتی ممکن است موجب بروز تبعیض در منطق، رفتار و رویکرد مددکاران زندان گردد. اگر مددکار در حوزهٔ

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

فعالیت خود و نسبت به نهادها و مسائل فرارو به‌واسطهٔ تعصب داشتن به باورهای غلط خود یک ارزیابی منفی از خود نشان دهد، هرگز نمی‌تواند قضاوتی منصفانه داشته و تعامل مطلوبی با زندانیانِ مددجو برقرار نماید و حتی ممکن است بر ابهامات و مشکلات آنها هم بیفزاید (Canadian Sentencing Commission, 1987: 10-13).

۲-۳. اعتمادسازی و رازداری

در اغلب نظام‌های حقوقی، علی‌الطلاق افشای اسرار مردم عملی قبیح و حتی مجرمانه توصیف شده است. در حقوق ایران، ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (تعزیرات) که صراحتاً به جرم‌انگاری افشای سر دیگران پرداخته است، نمونهٔ روشنی از این فضیلت اخلاقی ـ حقوقی می‌باشد. لذا در جریان فعالیت و اقدامات مددکاری برای کمک به زندانیان، لزوم احترام گذاشتن به شخصیت زندانی و عدم افشای اسرار و حقایقی که او از بیان عمومی و افشای آنها برای دیگران بیمناک است، اقدام مهمی است که تأمین آن ضامن توفیق در برقراری تعامل میان مددکاران و زندانیان مددجو می‌باشد. از آنجا که شرف و ارزش انسان‌ها در تبعیت از قانون است (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۲۱)، لازم است که مسئولان زندان‌ها، مربیان و مددکاران همگی ضمن احترام به حقوق انسانی زندانیان، خطاها و محبوس بودنِ آنها را دلیلی برای نقض قوانین و مقررات حاکم بر حقوق آنها نپندارند. این رفتار یک فضیلتِ اخلاقی است و در بستر ارزش‌گذاری به کرامت، مقام انسانی و لزوم حفظ حریم خصوصی محکومان تلألو می‌یابد (Garabedian, 1963: 145). چنانچه زندانیان اعتماد پیدا کنند که مددکاران در سطح قابل قبولی عاری از مصالح و اغراض شخصی بوده و فقط سعی دارند در قالب یک پزشکِ اجتماعی، مسیر حل مسائل و مشکلات آنها را هموار سازند و در این راه حقیقتاً به احساسات و نگرش آنها مبنی بر عدم علنی شدن مصائب و مشکلاتشان باور دارند و از استعداد رازداری برخوردارند، به نحو مطلوب‌تری می‌توانند با مددکاران و به‌طورکلی عوامل و کارگزاران برنامه‌های اصلاح و درمان در زندان تعامل و ارتباط برقرار سازند.

۳-۳. خودتصمیم‌گیریِ معقول و نظارت‌پذیرِ زندانیان

محکومان انسان‌های بی‌اراده‌ای نیستند. پرهیز از نگاه بدبینانه یا توأم با خصومت و اقتداگرایی قیم‌مأبانه نسبت به آنها یک فضیلت و باید اخلاقی است. امام خمینی (ره) در مقام مخالفت با هرگونه ستم و زورگویی در عمل به احکام و اجرایی‌سازیِ قوانین اسلام صریحاً

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

می‌فرمایند؛ «... در جامعهٔ اسلامی حاکم و فقیه نمی‌خواهد به مردم زورگویی کند. اگر یک فقیهی بخواهد زورگویی کند، این فقیه دیگر ولایت ندارد ... در اسلام قانون حکومت می‌کند. پیغمبر اکرم (ص) هم تابع قانون بود ...» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۱۰). باید ضمن کنترل معقول و نظارت بر رفتار زندانیان، به آنها اجازه داد تا آزادانه در برنامه‌های اصلاحی مشارکت جویند. ازجمله جلوه‌های بنیادینِ حق محکومان بر آموزش و تعلیم و تربیت، آموزش دادنِ طریقهٔ درستِ تفکر و اندیشه به آنها به منظور توانمندسازی و توسعهٔ خودکارآمدیِ شان (Self-Efficacy) می‌باشد. سرنوشت و زندگی محکومان در حبس غالباً محصول انتخاب و چگونگی تصمیم‌گیری آنها در دنیای آزاد می‌باشد. مددکاران اجتماعی در چرخهٔ تعاملی خود با زندانیان باید ضمن احترام نسبت به قوانین و مقررات حاکم بر نظام زندانبانی، از سرزنش کردن مستمر خطاهای آنها اجتناب نموده و سعی نمایند با رهایی از روش‌های آموزشی و یاددهندهٔ دستوری و دیکته‌مدارِ محض، با بحث‌ها و جدل‌های علمی و عقلانی آنها را به پذیرش قبح اعمال ارتکابی و شیوه‌های نوعی و معقول تدبیر معضلات و مشکلات ناشی از آنها متقاعد و قانع سازند و به آنها فرصت بدهند که خودشان با تفکر درست و اندیشیدن راجع به مسائل و مشکلات درصدد یافتن راهی برای خروج از دشواری‌ها و یا تعدیل و حداقلی‌سازی آنها برآیند. چنین حق انتخابی دقیقاً زندانیان را آماده مشارکت در برنامه‌های زندان می‌سازد و به مسئولیت‌پذیری بیشتر آنها کمک می‌نماید (Gwen and Crow, 2009: 104-149).

٤-۳. کنترل احساسات شخصی مسئولان، مددکاران و مربیان

فلسفه و هدف مددکاری در زندان، توانمندسازی مادی و معنوی زندانیان برای مقابله و مواجهه هرچه معقول‌تر آنها با مشکلاتشان می‌باشد. این امرِ مهم نیازمند ایجاد یک رابطهٔ عاری از تنش و بدون سوءتفاهم میان مددکاران و زندانیان مددجو است. کنش متقابل زندانیان و مددکاران ماحصل شبکه و زنجیرهٔ چندبعدی و ترکیبی از منطق‌ها، احساسات و ایدئولوژی‌هاست که اگر به نحو مطلوبی مدیریت و کنترل نشود، ممکن است فضای تعامل آنها را با ابهام و حساسیت مواجه سازد. در این بین نقش مسئولان و مددکاران بسیار حیاتی است. آنها باید با کنترل احساسات، سلایق و عواطف شخصی خود هم فضایی برای احساس آرامش و جلب نظر زندانیان فراهم آورند و هم به‌واسطهٔ رفتارها و قضاوت‌های آنها به سادگی و در عکس‌العمل‌های اولیه دچار عصبانیت، اضطراب و

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

بدخلقی نشوند (Torny and Petersilia, 1999: 24). پدیده‌ای چون عصبانیت مستقیماً و به شدت گذرگاه و راه تفکرات و رفتارهای منطقی را با بن‌بست مواجه ساخته و سبب دور شدن از اهداف مددکارانه می‌گردد. امام خمینی (ره) در این زمینه خطاب به مسئولان زندان‌ها می‌فرمایند؛ «در هر صورت زندانِ اسلامی باید رویِ همان موازین اسلامی (استوار) باشد ...، همانی که وقتی که به شخصِ اول اسلام حضرت امیر (ع) ضربت می‌زند، بعد که می‌بردندش سفارش می‌کند که این را از همان غذایی که خودتان می‌خورید بدهید ... و از خشونت غیر اسلامی و غیر اخلاقی با اسیر و مجرم پرهیز کنید ...» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۷۳). ایشان همواره به حقوق مجرمان و زندانیان توجه داشته و در فرامین مختلفی که خطاب به مسئولان قضایی کشور صادر نموده‌اند، مکرراً بر لزوم رعایت حقوق انسانی و برخورد اسلامی و انسانی با زندانیان تأکید نموده‌اند (صرامی، ۱۳۹۳: ۲۱۳).

نتیجه‌گیری

۱. به لحاظ اخلاقی همواره رعایت حقوق انسانی زندانیان و رفتار توأم با منش انسانی با آنها مورد تأکید بوده، تا جایی که امام خمینی (ره) از آن به‌عنوان جلوه‌ای از رعایت قانون در حکومت اسلامی یاد کرده و مسئولان نظام زندان‌ها را در هر حال مؤظف به رعایت و احترام نسبت به آن می‌داند.

۲. تفکر اصلاح‌مداریِ عاری از اخلاق و بی‌توجه به الزامات اخلاقی مشروعیت لازم را نداشته و نمی‌تواند در بازگرداندنِ هنجارمند زندانیان به اجتماع مؤثر واقع شود. در تفکرات امام خمینی (ره) لزوم توجه به آموزه‌های عدالتخواهانه، توجه به ارزش‌های دینی و معرفتی و پیشگیری دین‌مدار از انحراف و خطا و احترام به مصالح زندانیان و جامعه ازجمله پیش‌فرض‌های مسلط و گزاره‌های اخلاقی و مبنایی هستند که نقض آنها حتی در مواجهه با افرادی نظیر زندانیان به معنای خروج از سیطرهٔ و چارچوب دستورات و الزامات شرعی و اسلامی و مصداق عیانِ ظلم و ستم دانسته شده است.

۳. جرم‌شناسی اصلاح و درمان از محکومان به مثابهٔ افراد بیماری تعبیر می‌کند که استحقاق بر درمان داشته و تلاش برای بازپروری آنها هم هیچ‌گونه منافاتی با اندیشهٔ لزومِ تحمیل کیفر بر مجرم و جستجوی عدالت از رهگذر آن ندارد. تلاش برای احترام به حقوق انسانی زندانیان و تعلیم و تربیت مجدد آنها در ضمن اجرای کیفر عادلانه در خطابات امام خمینی (ره) به وضوح بیان شده است.

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

٤. توجه به مقاصد شارع اسلام و عمل به الزامات اخلاقی از عمده‌ترین نظریات امام خمینی (ره) در حوزهٔ حقوقِ قضایی و حقوق زندانیان می‌باشند که تنسیق آنها در بافت نظام حقوقی حاکم بر جامعه مستلزم این است که در کلیهٔ سطوح طرح‌ریزی، برنامه‌نویسیِ اصلاحی و اجرای آنها نفوذ داشته باشند.

۵. اجرای برنامه‌ها و روش‌های اصلاح و درمان نسبت به زندانیان مختلف آنگاه وجههٔ انسانی، منصفانه و عادلانه به خود می‌گیرد که در ظرف توجه عمیق به فرامین خداوندی به نحوی شایسته به تضمین حقوقِ بشری و شهروندیِ محکومان انجامیده و شرایطی برای صیانت از آنها فراهم آورد.

منابع

- آیت‌الله جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۷). *مفاتیح الحیاه*، چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر اسراء.
- آشوری، محمد؛ اردبیلی، محمدعلی؛ مهدوی ثابت، محمدعلی و کونانی، سلمان. (۱۳۹۷). «شناخت و تعریفی مبتنی بر بینش جرم‌شناسانه از اصلاح و درمان محکومانِ زندانی»، *فصلنامه پژوهش‌های حقوقی ـ قضایی*، سال اول، شمارهٔ ۲.
- امام خمینی. (۱۳۷۸). *صحیفهٔ امام*، دورهٔ ۲۲ جلدی، تهران: مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی. (۱۳۷۸). *عدل الهی از دیدگاه امام خمینی*، چاپ اول، تهران: مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- الزغبی، فرید. (۱۹۹۵م). *الموسوعه الجزائیه*، چاپ دوم، بیروت: دارالصار.
- جمشیدی، محمدحسین. (۱۳۸۰). *نظریهٔ عدالت از دیدگاه ابونصر فارابی*، امام خمینی و شهید صدر، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکدهٔ امام خمینی «ره» و انقلاب اسلامی.
- خلیلی، سلیمه و همکاران. (۱۳۹۰). «بررسی تعلیم و تربیت اخلاقی از دیدگاه ابن سینا»، *فصلنامهٔ تاریخ پزشکی*، سال سوم، شمارهٔ ۸.
- رضایی، محمدجلیل و همکاران. (۱۳۹۷). «تحلیل و تبیین فقهی، حقوقی و عرفانی توبه در اسلام»، *فصلنامهٔ عرفان اسلامی*، سال چهارم، شمارهٔ ۵۵.
- زارع، اصغر. (۱۳۸۶). «حقوق زندانیان سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، *فصلنامهٔ حضور*، شمارهٔ ۶۹.
- شوپنهاور، آرتور. (۱۳۹۱). *جهان و تأملات فیلسوف*، ترجمهٔ رضا ولی‌یاری، تهران: نشر مرکز، چاپ چهارم.

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

- شوپنهاور، آرتور. (۱۳۹۳). *اخلاق، قانون و سیاست*، ترجمهٔ عظیم جابری، تهران: نشر افراز، ۱۳۹۳.
- صانعی، پرویز. (۱۳۸۱). *حقوق و اجتماع*، چاپ اول، تهران: انتشارات طرح نو.
- صرامی، سیف‌الله. (۱۳۹۳). *حقوق مردم در حکومت (دیدگاه امام خمینی)*، چاپ سوم، تهران: نشر عروج (وابسته به مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی«ره»).
- کاردان، علی محمد. (۱۳۹۴). *سیر آراء تربیتی*، تهران: نشر سمت.
- مصباح، محمدتقی. (۱۳۷۳). *آموزش فلسفه*، چاپ اول، تهران: نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصباح، محمدتقی. (۱۳۶۵). *تعلیم و تربیت در اسلام*، چاپ اول، تهران: انتشارات الزهرا.

References

- Alexander, B, and Louis, B; (1988). Treating the Criminal Offender, Third edition, New York: Plenum press.
- Ashworth, A; (1999). Principles of Criminal Law, Oxford University press.
- Boston, C. M, (2001). et al; Changing Offenders behavior: Evaluation Moral Reconnation Therapy (MRT) in the Better People Program, Portland.
- Barak, G. I; (1981). Towards a Conceptual Schema of Prison Management Style, Prison Journal.
- Bottoms, A. E; (1995). Reflections on the Renaissance and Sentencing, in Clarkson, C, and Morgan, R; The Politics of Sentencing Reform, Oxford: Clarendon press.
- Canadian Sentencing Cullen, F. T; (1982). Its time to Re-affirm rehabilitation: reaction essay, Criminology and Public Policy, 5.
- Commission; (1987). Sentencing Reform: A Canadian Approach Report of the Canadian Sentencing Commission, Ottawa: Canadian Government publication Center.
- Clements, C. B; (1982). the Relationship of offender Classification to the Problem of Prison Overcrowding, Crime and Delinquency, 28.
- Cann, J et al; (2003). Understanding What Works: Accredited Cognitive Skills Program for Adult men and young Offender, Home office Research finding, No.226, London: Home office.
- David, B, and Merdith, W; (2002). Prisoners as Citizens: Human Rights in Australian Prisons, The Federation Press.
- Dewey, J; (1909).Moral Principles in education, Bew York: Hougton Mifflin Company.
- Gwen, R, and Crow, I; (2009). Offender Rehabilitation: Theory, Research and Practice, London: Sage Publication.
- Garabedian, P. G; (1963). Social Roles and Processes of Socialization in the Prison Community, Social Problems, 11 (2).
- Ganong, P; (2010). Reviving Rehabilitation: The Effect of Prison on Released offenders in Georgia, Harvard University.

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]

- Haynes, F. E; (1949). the Sociological study of the prison Community, Journal of Criminal Law and Criminology, 39 (4).
- Jean, L. C; (2004). The Psychology of Prejudice and Discrimination, Volume.1, London.
- Little, G, and Robinson, K; (1986). How to escape your Prison: A Moral Reconnation Therapy, Memphis: Eagle Wing Books.
- Morrison, W; (1995). Theoretical Criminology: From Modernity to Post-Modern, London: Cavendish.
- May, D, and Wood, O; (2010). Ranking Correctional Punishment, Carolina Academic press.
- Torny, M, and Petersilia, J; Prisons, Chicago University press, 1999.
- White, B; (2015). Scapegoat: John Dewey and Character education Crisis, Journal of Moral education.
- Yalom, I; (1995), The Theory and Practice of Group Psychotherapy, 4th edition, New York: Basic Books.

[Downloaded from mail.islamichumanrights.ir on 2026-09-18]